

ملاحظاتى در باب قرآن



محمد علی امیرمزی
ترجمه علیرضا وضایت

ناگفته پیداست که آنچه قاطبه مسلمانان به عنوان کتاب آسمانشان پذیرفته و به آن باور دارند همان نسخه ای از قرآن است که عثمان گردآوری کرد. به فرموده نبی اکرم (ص) این کتاب مشتمل بر داستان آفرینش از آغاز تا انجام و رویدادهای قیامت و جهان آخرت است. در عین حال، برخی پژوهشگران بر این باورند که مصحف عثمانی کل قرآن را در بر نمی گیرد این عده هرچند که دلایلی برای این مسأله اقامه می کنند اما تمامی اطلاعات مربوط به قرآن کل (بخش تکمیلی قرآن) را ذکر نمی کنند. آنان به طور خاص از دو سوره ولایه و نورین نیز نام می برند که در مصحف امروزی قرآن به چشم نمی خورد. مسأله اعتبار این دو سوره اگر چه هنوز پیچیده و مبهم است اما ارتباط آن با قرآن کامل امامان، که براساس منابع حدیثی و روایی موجود سه برابر نسخه عثمانی است از یک سو، و بحث تقیه در خصوص نسخه ای که حضرت علی (ع) آن را نگاشته از سوی دیگر، ارتباطی مهم و درخور بررسی است. نگارنده مقاله ضمن کنکاش در تک احادیث موجود در منابع متقدم امامیه در خصوص قرآن، می کوشد تا ضمن بررسی صحت و سقم آراء و نظریات مختلف، دیدگاه روشنی از این مهم بدست دهد.

قرآن یکی از منابع مکتوب علم امامان است. امامان همواره می فرمایند که تمام عقائد، تعالیم و اقوال ایشان مبتنی بر قرآن است.^۱ امام صادق (ع) می فرماید: هر حدیثی که مطابق با قرآن نباشد سخنی باطل است.^۲ امام را مرشد (معلم) اعلای تأویل معنوی، مفسر و جهة باطنی وحی و قرآن ناطق خوانند، حال آن که خود قرآن، «امام صامت» نامیده می شود.

یافتن مبنایی قرآنی برای تمام جزئیات خاص مکتب امامیه نخستین (از مسائل جهانشناختی گرفته تا مفهوم امام و جزئیات مربوط به آخرت و معاد) دست کم در متنی که امروز در اختیار ماست، امری دشوار است. حتی تأویلات معنوی امامان، که بسیار انگشت شمارند، نیز نمی تواند توجیه کننده و پاسخگوی شمار قابل توجه «تفاوت های» این متن آسمانی باشد؛ حتی اگر فرض کنیم که تمام این مکتب، تأویل باطنی قرآن باشد، با این حال، نه کلیدهای دستیابی به این تأویل را در اختیار داریم و نه شیوه آن بیان شده است.

امام صادق (ع) فرمود: رسول خدا مرا به دنیا آورد، قَدْ وَكَلَنِي رَسُولُ اللَّهِ: یعنی من فرزند رسول خدا هستم و یا نور امامت / نورت درمن است. من به کتاب خدا آگاهم [من دارنده علم هستم؛ علم ازلی، علم قرآن]: این کتاب دربردارنده آغاز و منشا آفرینش و نیز تمام وقایعی است که تا روز قیامت روی خواهد داد. این کتاب شامل وقایع آسمانها و زمین، بهشت و دوزخ، گذشته و آینده است. من همه آنها را آن چنان واضح و آشکار می بینم که گویی همه در کف دستم قرار دارند.^۳ می توان حدس زد که مراد امام از بیان این کلمات چیست: فیضان نور ازلی و پیدایش جوهرهای نورانی پیشین معصومین (ع) پیدایش «اشباح» سایر مخلوقات، وقایع عوالم پیشین «ام الکتاب»، «عالم الست» یا «جهان دوم سایه ها»؛ شرح زندگی انبیاء و امامان پیشین و مبارزات آنها علیه دشمنان و مخالفانشان؛ هویت و سرنوشت مؤمنان تعلیم یافته امامان یعنی اصحاب بهشت و دشمنان آنها؛ پیروان «هادیان ظلمت»، نیروهای مخالف تعلیم یعنی اصحاب دوزخ و سرانجام وقایع مربوط به آینده، خاصه آنهایی که با غیبت و رجعت نهایی حضرت مهدی (عج) در ارتباطند. قرآنی که در اختیار ماست فاقد تمام این وقایع است. آیا می تواند روایت دیگری از قرآن که تنها امامان آن را می دانند وجود داشته باشد؟

گارسن دستی برای نخستین بار در غرب در ماه مه سال ۱۸۴۲

در نشریه ژورنال آسیاتیک اقدام به چاپ متن و ترجمه «سوره نامعلومی از قرآن» نمود.^۴ این سوره، سوره دو نور (سوره النورین) یعنی نور روحانی محمد (ص) و علی (ع) بود که نام هر دو آشکارا ذکر شده است. البته این سوره جزء قرآن رسمی (که به فرمان عثمان تدوین گردید) نیست. [بلکه] این متن از اثری ایرانی مربوط به قرن ۱۷، با عنوان دبستان مذاهب، نوشته یک زوتشتی ایرانی الاصل ساکن هند، گرفته شده است.^۵ یک سال بعد، در دسامبر سال ۱۸۴۳ در همان نشریه (ژورنال آسیاتیک) میرزا اسکندر کاظم بیگ، براساس نسخه دیگری، تصویری رضایتبخش تر از این سوره ارائه کرد. او این متن را خوانده و به ۴۳ آیه تقسیم نمود و ترجمه ای دقیق تر از ترجمه گارسن دستی از آن بدست داد. عجیب آن که کاظم بیگ درباره نسخه ای که از آن استفاده کرده بود، سخنی نگفت.^۶

در جولای سال ۱۹۱۳ سنت کلر تیسدال در مقاله ای در [نشریه] جهان اسلام، متن سوره نامشخص دیگری از قرآن با نام «سوره الولایه»^۷ را به چاپ رساند. نویسنده مدعی شد که این متن رادر نسخه ای از قرآن مربوط به قرن ۱۶ یا ۱۷ در بنیکپور هند یافته است. افزون بر متن تکمیلی این سوره (که شامل ۷ آیه می شود)، این نسخه مشتمل است بر سوره دو نور، که پیش تر ذکر آن رفت، و نیز ۲۷ آیه که گمان می رود به سوره های مختلف قرآن تعلق دارند اما در نسخه رسمی آن به چشم نمی خورند. سوره ولایت همانند سوره دوتور آشکارا علی (ع) را خاطر نشان می کند و او را بهترین دوست (ولی) خدا و نیز وصی پیامبر می داند؛ به این موضوع خواهیم پرداخت.

انتشار این متون سبب انحام پژوهشهای عالمانه ای در خصوص مفهوم قرآن و طرز تلقی امامان از متن آن گردید؛ آیا بنا به معتقدات امامیه، متن رسمی قرآن که به روزگار خلافت عثمان بن عفان (۲۴-۳۵ق/ ۶۴۴-۶۵۶م) به نگارش درآمد، عینا همانی است که به محمد (ص) وحی شد؟ این مسأله بسیار حائز اهمیت است، چرا که تمام نظام اعتقادی اسلام و وجدان دینی مسلمانان حول این مهم شکل گرفته است که اعتقاد به کامل بودن قرآن و صحت این روایت رسمی از آن به مثابه وحی الهی که به پیامبر نازل گردید، یکی از انکارناپذیرترین مؤلفه های ایمان به دین اسلام محسوب می شود. اگر مسیحیت دین خدایی است که انسان را آفریده، اسلام دین خدایی است که کلمه را و از این کلمه، کتاب را خلق نمود.

به نظر می رسد کنکاش در تمام جزئیات و مباحث مطالعات مربوط به این مسأله، نوعی وسواس است. با این حال می توان گفت که این مطالعات در مجموع، سه نتیجه را در پی دارند:

۱- تشکیک درباره وجود یک بخش تکمیلی برای قرآن رسمی از جانب امامان مبنای تاریخی ندارد. این شک، کاملاً ناشی از دیدگاه های سیاسی و اعتقادی است. زمانی که امام علی (ع) از قدرت کنارزده شد، طبیعی بود که یارانش به منظور نشان دادن برتری او نسبت به سایر اصحاب پیامبر (ص) روایت او از قرآن را کامل ترین روایت اعلام کنند.^۸ اشکال این نظریه این است که امامیه را تا حد یک جنبش که در پی قدرت موقتی است، فرو می کاهد. افزون بر این، این مسأله به هیچ روی بر اطلاعات موجود در مجموعه های حدیثی نخستین منسوب به امامان، مبتنی نیست. به اعتقاد ما نظر به وضعیت آشفته و پراکندگی متون و نیز وظیفه مقدس «حفظ راز» (تقیه، کتمان) در میان امامیه، این مسأله با وجود دشواری بسیار در خور پژوهشی تاریخی است. از سوی دیگر، بررسی این مسأله از منظر پدیدارشناختی و ارزیابی اهمیت دینی و باطنی آن نه تنها ممکن بلکه معقولانه تر است.

۲- ایرادات منتقدان امامی در مورد قرآن رسمی متوجه بخش تکمیلی یا اعتبار محتوای آن نیست بلکه بیشتر متوجه حذف برخی کلمات یا عبارات و درهم آمیختگی نظم و ترتیب آیات و سوره است؛ بنا به گفته امامیه، این نسخه رسمی دربرگیرنده تمام وحی است و «جرم» عثمان این بوده است که تفسیر علی (ع) را که برحاشیه نسخه خود نگاشته بود و برای فهم کامل قرآن ضروری بود، کنار گذاشته است.^۹

انام علی (ع) در یکی از خطبه هایشان می فرماید: بدائید که پس از من زمانی خواهد آمد که در آن هیچ چیز به اندازه حق پوشیده نخواهد شد و هیچ چیز به اندازه باطل آشکار نخواهد بود. و هیچ چیز افزون تر و پرمایتر از دروغ هایی که به خدا و رسولش نسبت داده می شود نخواهد بود. و هیچ چیز بیشتر از کتاب خدا، آنگاه که مطالب آن تحریف شده است [إذا حُرِفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ] تحقیر نخواهد شد. آنها که با آن آشنا نیستند آن را آنکاز می کنند و آنها که آن را از حفظ دارند آن را به فراموشی می سپارند. آنها مغلوب احساسات و هیجانات خود می شوند و به عادات و رسوم نیاکانشان باز خواهند گشت؛ با دروغ و تیرنگ در تحریف کتاب می کوشند [و عملوا بتحریف الكتاب کذباً و تکذیباً] و آن را به بهایی ناچیز می فروشند و نسبت به آن فوق العاده بی تفاوت خواهند بود

این نتیجه گیری اساساً حاکی از دوگانگی و سردرگمی میان عقاید متکلمین بزرگ امامیه و تعالیم خود امامان است؛ سردرگمی ای که برای هر نوع فهمی از امامیه نخستین زیانبار است و ما پیش تر در چندجا به آن اشاره کرده ایم. همان گونه که در مباحث بعدی خواهیم دید این بانویه ظاهراً نخستین فردی است که از این نظریه حمایت می کند و آن را مخالف کلام امامان می داند.

۳- امامان در مورد نسخه گردآوری شده توسط عثمان تردید جدی دارند.^{۱۰} این نظریه عملاً در مجموعه های حدیثی متقدم امامان مورد تأکید قرار گرفته است، در عین حال، پژوهشگرانی که از آن حمایت کرده اند، نه تنها موفق به ذکر تمام اطلاعات مربوط به قرآن تکمیلی

(کامل) امامان نشده اند بلکه برایندهای اعتقادی این موضوع را نیز بررسی نکرده اند و دلیل این امر احتمالاً فقدان بررسی نظام مند متون اصلی بوده است. از این رو، هدف این مقاله (مبحث) پرداختن به این دسته سوم از مطالعات است. امید آن که چیزی در خور توان به آنچه ایشان آغازیده اند، بیفزاییم. در عین حال امیدواریم برخی خلأهای روش شناختی موجود در پژوهش های دو دسته اول را نیز پر نماییم. سؤال اساسی آن است که قرآنی که امامان در مجموعه های حدیثی متقدم خود از آن سخن می گویند کدام است؟ در این مجموعه ها مطالبی وجود دارد مبنی بر آنکه قرآنی که امامان به آن اشاره دارند متنی نیست که همگان با آن آشناستند. این مطالب دوزخ اند:

۱- اشارات مستقیم:

می دانیم نسخه ای که در دوران عثمان تدوین گردید عمدتاً براساس روایتی بود که مورد تأیید شوریایی به سرپرستی زیدبن ثابت بود و شناخت کامل آن نیازمند زمان بود. نیز می دانیم که روایت های دیگری وجود داشتند؛ روایت عبدالله بن مسعود، روایت ابی ابن کعب و دیگران و نیز روایت علی (ع). اگرچه اختلاف این نسخه ها چندان زیاد نیست اما بنا به گفته امامان، روایت علی (ع) به دو دلیل از نظمی متفاوت برخوردار است: نخست به دلیل امتیاز خاص علی (ع) به واسطه انتساب به پیامبر اکرم (ص) و دوم آن که این روایت، سه برابر [نسخه] رسمی قرآن بوده است. هیچ کس نمی تواند ادعا کند که تمام قرآن را همان گونه که خداوند نازل فرمود گردآوری کرده است مگر آن که دروغگو باشد. تنها علی بن ابیطالب و ائمه پس از او، قرآن را همانگونه که توسط خداوند تعالی نازل شده است، جمع آوری و حفظ نموده اند.^{۱۱}

«به استثنای اوصیاء [امامان] هیچ کس نمی تواند ادعا کند که تمام قرآن، خواه وجهه ظاهری و خواه وجهه باطنی، را در اختیار دارد.»^{۱۲} قرآنی که جبریل برای محمد (ص) آورد شامل ۱۷ هزار آیه بود.^{۱۳} اغلب اعتقاد بر آن بوده است که عدد آیات قرآن بین ۶ هزار تا ۷ هزار آیه متغیر است؛ و قرآن کامل و اصلی که پیامبر به علی (ع) سپرده، تقریباً سه برابر نسخه رسمی آن بوده است. امام صادق (ع) در حدیثی که به ایشان منسوب است می فرماید:

«زمانیکه علی (ع) نسخه برداری کتاب را به اتمام رساند آن را به مردم نشان داد و فرمود: این کتاب خدای عزوجل است همان گونه که بر محمد (ص) نازل شد؛ من آن را در دو لوح گرد آورده ام. مردم به او پاسخ دادند: ما پیش تر نسخه کامل قرآن را به دست آورده ایم و نیازی به نسخه تو نداریم؛ علی (ع) در پاسخ فرمود: به خدا سوگند از امروز به بعد آن را دیگر نخواهید دید؛ ما مورث من تنها این بود که شما را از وظیفه خود مبنی بر خواندن آنچه گرد آورده ام، آگاه سازم.»^{۱۴}

سند موجود در کتابخانه حرم علی (ع) در نجف که به قرن ۱۳/ق ام باز می گردد، جزئیات بیشتری در مورد این مسأله در اختیار ما می نهد. متن این سند را مجلسی در بحارالانوار (ج ۱۳، صص ۱۴۶-۷) خود آورده است. این سند در واقع شرح سفر یکی از شیوخ امامیه یعنی علی بن فاضل مازندرانی به «سرزمین» امام غایب است. هانری کرین آن را در کتاب اسلام ایرانی خود (ج ۴، صص ۳۴۶-۷) ذکر می کند و ما در بیان آن از ترجمه زیبای کرین بهره گرفته ایم. قهرمان این سفر (داستان) زمانی از استاد علوم قرآنی خود، شیخ زین الدین علی مغربی می پرسد:

«ای استاد! من می دانم که برخی آیات قرآن هیچ ارتباطی به آیات پیشین یا پسین خود ندارند. عقل قاصر من ناتوان از فهم علت آن است. استاد پاسخ داد: این سؤال، سؤال خوبی است. علت امر آن است که زمانی که پیامبر (ص) از این منزل فاتح و فسادپذیر به دیار باقی انتقال یافت و دو تن از اهل قریش (دو خلیفه اول، ابوبکر و عمر) خلافت را

[لم یکن الذین کفروا]، و در ادامه آیه، اسامی هفتاد نفر از قریش و اسامی پدرانشان را ملاحظه کردم. آنگاه امام شخصی را فرستادند که به من بگوید کتاب را بازگردانم.^{۱۷} این استناد به آیه قرآن عمداً مبهم بیان شده چرا که این آیه (عبارت) بیش از ۳۰ مرتبه در قرآن به کار رفته است. اما با این همه، این آیه به قدر کافی برای محکومیت حتی ناشناسی اهل قریش آشکار است. از سوی دیگر، امامان می‌فرمایند که قرآن به ۴ بخش تقسیم شده است: بخش اول به معصومین (ع) اختصاص یافته است. بخش دوم به دشمنان آنها. بخش سوم به کلام و روایات [ایشان] و بخش چهارم به تکالیف شرعی و احکام عبادی مربوط می‌شود.^{۱۸} به اشاره‌های مستقیم لازم است برخی قرائات قرآنی امامان را نیز بیفزاییم؛ قرائاتی که با متن موجود قرآن متفاوتند. تفاوت‌ها یا مواردی که به نسخه عثمان اضافه شده است این‌گونه است:

سوره بقره، آیه ۱۰۲: «و با سرسپاری به شیاطین، از آنچه در روزگار سلیمان بدیشان گفته بودند، پیروی کردند».^{۱۹}

سوره بقره، آیه ۲۰۵: «و آن گاه که پشت کند در روی زمین، تلاش می‌کند تا فساد کند و حاصل و نسل بشر را با می‌عدالتی و شرارت خود هلاک کند و خداوند فساد را دوست ندارد».^{۲۰}

سوره بقره، آیه ۲۱۱: «ای پیغمبر! از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و ادله روشن برای آنها آوردیم، گروهی به آنها ایمان آوردند، گروهی آن را انکار کردند، گروهی آن را تصدیق کردند و به آنها کفر ورزیدند اما هر کس پس از آن که نعمت هدایتی که خداوند به او داد، آن را به کفر مبدل کند عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است».^{۲۱}

سوره بقره، آیه ۲۵۵: «اوست مالک آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و هر آنچه بین آسمان‌ها و زمین یا در زیر زمین و عالم غیب و شهادت است. او بخشنده و مهربان است، که را این جرأت است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او».^{۲۲}

سوره آل عمران، آیه ۱۰۳: «شما در پرنگاه آتش بودید خداوند شما را به وسیله محمد نجات داد».^{۲۳}

سوره نساء آیه ۶۳: «خدا می‌داند چه در دل دارند پس از آنها روی برتاب، چرا که کلمه مصیبت مانند عذاب (در اینجا عبارت «درخواست کردن از ایشان» حذف شده است) برای ایشان مقرر شده است و پندشان ده، و با آنها سخنی رسا که در دلشان مؤثر افتد بگویی».^{۲۴}

سوره نساء، آیه ۶۵ و ۶۶: «و آن گاه آنها هر تصمیمی که تو درباره امر ولی خدا [یعنی امام] بگیری هیچ اعتراضی ندارند و کاملاً تسلیم خدا خواهند بود. و اگر ما به آنها حکم می‌کردیم که خود را بکشید و خود را کاملاً به امام تسلیم کنید. و یا از دیار خود بنحایت بیرون روید اطاعت نمی‌کردید مگر اندکی از آنها و اگر آنها که مخالفت ورزیدند [به جای] اگر آنها] به آنچه نصیحت و پندشان می‌دهند عمل می‌کردند البته نیکوتر و کاری محکم و اساسی‌تر (در امر دین و دنیای آنها) بود».^{۲۵}

سوره توبه، آیه ۴۰: «خداوند وقار و آرامش (سکینه) را بر پیامبرش فرو فرستاد [به جای او] و او را به سپاه و لشکرهای غیبی خود که شما آن را ندیده‌اید مدد فرمود».^{۲۶}

سوره توبه، آیه ۱۲۸: «همانا رسولی از جنس ما [به جای شما] برای هدایت ما [به جای شما] آمد؛ که از فرط محبت، فقر و پریشانی و جهل و فلاکت ما [به جای شما] بر او سخت می‌آید و بر آسایش و نجات ما [به جای شما] بسیار حریص و به مؤمنان رؤوف و مهربان است».^{۲۷}

سوره طه، آیه ۱۱۵: «پس ما از قبل از آدم، برای محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین و امامان پس از ایشان پیمان گرفتیم اما او فراموش کرد».^{۲۸}

سوره حج، آیه ۵۲: «و ما پیش از تو هیچ رسول و پیغمبری و هیچ کسی

یا زور از علی (ع) گرفتند، علی (ع) تمام قرآن (جامع القرآن) را در کیفی چرمی گردآورد و هنگامی که اهل قریش در مسجد گرد آمده بودند آن را بر ایشان عرضه داشت. آن گاه علی (ع) به آنها فرمود: این کتاب بخداست، رسول خدا به من فرمود که آن را در اختیار شما نهم. این کتاب در روز قیامت شاهدهی است برای شما که در پیشگاه خداوند حاضر می‌شوید.

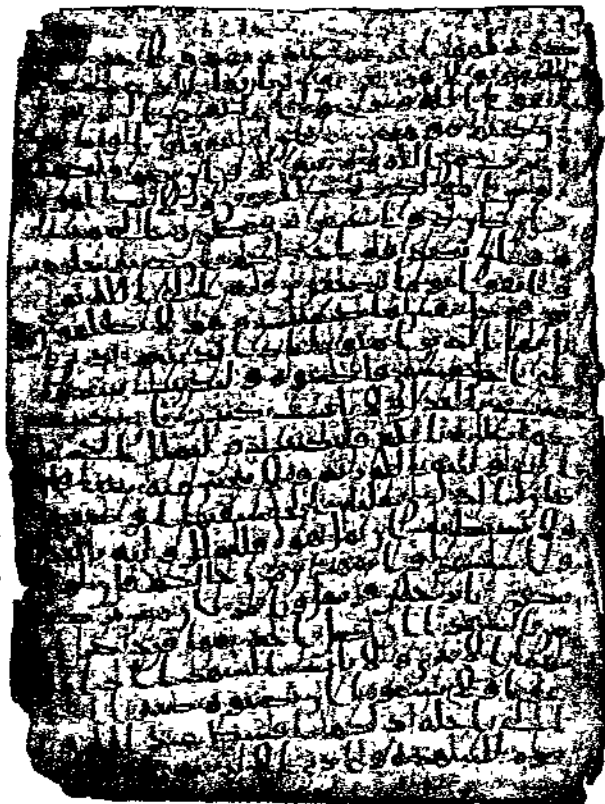
اما آن دو تن پاسخ دادند: ما نیازی به قرآن تو نداریم. امام در پاسخ فرمودند: رسول خدا که دوست عزیز من بود به من فرمود که شما این گونه پاسخ می‌دهید اما من خواستم با این کار شاهدهی بر شما داشته باشم.

سپس ایشان در حالی که به خانه باز می‌گشتند فرمودند: [خداوند!] هیچ خدایی جز تو نیست، تو بی‌شریک و بی‌همتایی، هیچ کس نمی‌تواند آن چه را تو تقدیر کرده‌ای انکار کند یا با آنچه حکمت تو اقتضا می‌کند مخالفت نماید. پس بگذار در روز قیامت تو شاهد من در برابر این افراد باشی. سپس ابن ابی قحافه (یعنی ابوبکر) مسلمانان را فراخواند و خطاب به آنها گفت: هر کس آیه یا سوره‌ای از قرآن را در اختیار دارد یا خود بیاورد. آن گاه ابو عبیدالله و عثمان و معاویه هر یک با آیه و سوره‌ای بازگشتند و بدین ترتیب این قرآن را تدوین نمودند. آنها تمام آنچه را که به منافع آنها صدمه می‌زد یا اعمال شیطانیشان را پس از رحلت پیامبر (ص) بر می‌نمود کنار گذاشتند. به همین دلیل است که آیات قرآن ارتباطی به یکدیگر ندارند. اما قرآنی که سرور مؤمنان علی (ع) بادست خویش گرد آورد نزد صاحب امر (امام غایب) محفوظ است. این قرآن در بردارنده همه چیز است.

ابن بابویه، شیخ صدوق (م ۳۸۱/۹۹۱م) ظاهراً نخستین مولف بزرگ امامیه است که نه تنها به این مطالب اعتنایی نکرد بلکه موضعی مشابه موضع اهل سنت اتخاذ نمود: «بنا به اعتقاد ما شیعه امامیه، قرآنی که به پیامبر نازل شده است با آنچه میان دو جلد است [یعنی نسخه رسمی عثمان] یکسان است... هر کسی که می‌گوید وحی منزل بیشتر از این قرآن است کذابی پیش نیست».

بدین ترتیب قرآن کامل به طور سری از امامی به امام دیگر انتقال یافته تا این که توسط امام غایب به [عالم] غیب برده شده است و تنها اوست که آن را هنگام رحلتش در آخر الزمان بازگرداند و به همگان می‌شناساند: «آن گاه که منجی ما قیام کند کتاب خدای عزوجل را همان گونه که هست باز می‌خواند و نسخه‌ای که علی (ع) نگاهش را آشکار می‌سازد».^{۱۵}

امامان توصیفات دیگری نیز از این قرآن کامل ارائه کرده‌اند. حسین بن خالد از امام صادق (ع) پرسید: «قرآن کامل چند جزء دارد؟» (قرآن کامل را در چند جزء باید بخوانم؟) امام در پاسخ فرمود: «آن را در پنج یا هفت جزء بخوان». اما من مجلد مقدسی از آن را در اختیار دارم که ۱۴ جزء است (یعنی آن را تنها در ۱۴ جزء می‌توان ختم نمود).^{۱۶} احمد بن محمد بن ابی نصر چنین روایت می‌کند: «امام ابوالحسن (یعنی امام هشتم، علی بن موسی الرضا (ع)) مجلدی از قرآن را به من دادند و از من خواستند که در آن ننگرم. اما من آن را باز کردم و ناگاه به این آیه برخوردم «کسانی که [نسبت به دین] بی‌اعتنا و بی‌توجه شده‌اند».



سوره بقره ۲۰۶ تا ۲۱۷ قرن اول هجری

که فرشته به او الهام کند. قرستادیم جز آن که چون آیاتی برای هدایت خلق تلاوت کرد شیطان در آن آیات الهی القاء دسیسه کرده.^{۲۹} سوره احزاب، آیه ۷۱: «هر که خدا و رسولش را با توجه به نیروی قدسی علی (ع) و امامان بعد از او اطاعت کند البته به سعادت و پیروزی بزرگ نائل گردیده است».^{۳۰}

سوره شوری، آیه ۱۳: «از دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما ای خاندان محمد تشریح کرد و آنچه را به تو ای محمد وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم که: «دین خاندان محمد را برپا دارید و در آن تفرقه اندازی نکنید. بر مشرکان، آنها که قدرتهای دیگر را با قدرت مقدس علی شریک می‌گیرند آنچه که ایشان را از طریق قدرت مقدس علی به سوی آن فرا می‌خواند گران می‌آید. همانا ای محمد خداوند هر که را بخواند به سوی خود برمی‌گزیند و هر که را از در توبه درآید و هر که را که ندای تو را به سوی قدرت مقدس علی لیبک گوید به سوی خود راه می‌نماید [به جای: خدا هر که را بخواند به سوی خود برمی‌گزیند و هر که را از در توبه درآید به سوی خود راه می‌نماید]».^{۳۱} سوره معراج، آیه ۳-۱: «خواهنده ای عذاب واقع شوند و برای آنها که به قدرت الهی علی (ع) باور ندانند طلب کرد؛ هیچ کسی را یارای دفع عقاب خداوند صاحب درجات نیست».^{۳۲} مثال‌های دیگری نیز در مجموعه‌های حدیثی متقدم وجود دارد که تفاوت آنها با نسخه رسمی قرآن چندین زیاد نیست.^{۳۳}

۲ - اشارات غیر مستقیم:

اگرچه اشارات موجود در مجموعه‌های حدیثی متقدم پراکنده‌اند، [با این حال] معصومین (ع) با مسأله قرائت رسمی قرآن مواجه‌اند که سرشار از تحریف، تغییر و تبدیل است. در حدیثی طولانی که از امام صادق (ع) روایت شده و ایشان نیز آن را از پدران خود [= امامان] و آنها نیز آن را از پیامبر (ص) شنیده‌اند آمده است که پیامبر (ص) خطاب به امت فرمود: «آگاه باشید که شما در روز قیامت از رفتاری که نسبت به دو چیز گرانها که من آن را به شما می‌سپارم، یعنی کتاب خدا و اهل بیت، رواداشته‌اید بازخواست خواهید شد.»^{۳۴} آگاه باشید! در مورد کتاب خدا چنین نگویید که ما آن را تغییر داده تحریف کرده‌ایم؛ و در مورد اهل بیت چنین نگویید که آنها را تنها گذاشته و از میان بردیم».^{۳۵}

امام علی (ع) در یکی از خطبه‌هایشان می‌فرمایند: «... بدانید که پس از من زمانی خواهد آمد که در آن هیچ چیز به اندازه حق پوشیده نخواهد شد و هیچ چیز به اندازه باطل آشکار نخواهد بود. و هیچ چیز افزون‌تر و پربارتر از دروغ‌هایی که به خدا و رسولش نسبت داده می‌شود نخواهد بود. و هیچ چیز بیشتر از کتاب خدا، آنگاه که مطالب آن تحریف شده است [إذا حُرِّفَ عَنْ مَوَاضِعِهِ] تحقیر نخواهد شد. آنها که با آن آشنا نیستند آن را انکار می‌کنند و آنها که آن را از حفظ دارند آن را به فراموشی می‌سپارند. آنها مغلوب احساسات و هیجانات خود می‌شوند و به عادات و رسوم نیاکانشان باز خواهند گشت؛ با دروغ و نیرنگ در تحریف کتاب می‌کوشند [و عملوا بتحریف الكتاب کذبا و تکذیبا] و آن را به بهایی ناچیز می‌فروشدند و نسبت به آن فوق العاده بی تفاوت خواهند بود».^{۳۶}

نظیر چنین اتهام‌هایی را می‌توان در نامه‌های سرّی امامان به شاگردان نزدیکشان ملاحظه نمود. این نامه‌ها را کلینی در روضه آورده است.^{۳۷} امام باقر (ع) می‌فرمایند: «خداوند علم قرآن را از هر امتی که کتابش را انکار کند دور می‌کند و دشمنانشان را بر آنها حاکم می‌گرداند... انکار کتاب زمانی است که افراد، عامدانه کلمات آن را بر سازند و حدود (تقسیم بندی) آن را تحدید کنند. و در نتیجه ستون‌های [= مبانی] دین را دستخوش تغییر نمایند. پیاموز راه شناخت آنها را که

در این امت همچون متولیان دینی مسیحی و یهودی، کتاب حق را پنهان کرده آن را تحریف نمودند. شناس آنها را که در این امت، عامدانه کلام خدا را بر می‌سازند و آن را تحریف می‌کنند».^{۳۸} امام کاظم (ع) فرمودند: «دین کسانی را که شیعه نیستند نپذیرید. به مذهب آنها علاقه نوزید چرا که آنها خائن‌اند. آنها به خدا و رسولش و گنجینه‌های ایشان خیانت کردند. آیا می‌دانید آنها چگونه به گنجینه‌ها خیانت کردند؟ کتاب خدا به ایشان ارزانی شد و آنها آن را تحریف کردند؛ پیشوایان حقیقی خود [یعنی علی (ع) و امامان معصوم] را انکار کردند».^{۳۹}

آثار ملل و نحل نویسان عهد اول در این باره را نیز می‌توان به عنوان اشارات غیر مستقیم قلمداد نمود. اشعری (۳۲۴ق/۹۳۵م) از نقطه نظری که در نظر ما چندین مقول نیست، شیعیان را به سه دسته تقسیم می‌کند: دسته‌ای که معتقدند بخش‌هایی از وحی (قرآن) تحریف شده است. دسته‌ای که برآنند مطالبی عمداً به قرآن اضافه شده است. و دسته‌ای که بخش تکمیلی قرآن (قرآن کامل) را پذیرفته‌اند.^{۴۰}

ابن حزم (۴۵۶ق/۱۰۵۱م) میان شیعیان تمایزی قائل نیست و بر آن است که یکی از ویژگی‌های اعتقادی شیعیان، عدم پذیرش قرآن کامل است. با وجود این، اومی‌افزاید که شریف مرتضی و دو تن از شاگردان او در این باره با برادران ایمانی خود همداستان نیستند.^{۴۱} اسفراینی (۴۷۱ق/۱۰۷۸-۹م) نیز می‌نویسد: براساس اعتقاد تمام فرقه‌های شیعه متن اصلی وحی که در برگزیده اشارات متعددی به امامت علی (ع) و اخلاف اوست از سوی صحابه تحریف و انکار شده است.^{۴۲}

در نامه‌هایی که پیش‌تر ذکر آنها رفت و در شماری از احادیث امامان، آمده است که صحابه پیامبر (ص) و خاصه دو خلیفه اول، ابوبکر و عمر، مسوول اصلی خیانت به نص الهی هستند. بی شک، این دو نفر به دلیل این که جان‌نشین حقیقی پیامبر (ص)، علی (ع)، را با نیرنگ و زور از قدرت برکنار کردند به شدت مورد حمله و انتقاد قرار گرفته‌اند. گذشت از این، آنها به انکار روایت علی (ع) از قرآن و تحریف و تفسیر متن اصلی وحی براساس منافع خود و مبتغیان و توانگران قریش نیز هتّم شده‌اند.^{۴۳} بنابراین، مسأله قرآن امامان، انکار، قرآن از سوی

مسأله قرآن امامان و تشکیک امامان نسبت به مصحف عثمان نیزه تقیه امامان باز می‌گردد. تقیه علاوه بر آن که در مورد برخی از اصول اعتقادی به کار می‌رود، در مورد مسائلی که به نص حقیقی وحی مربوطند نیز اعمال می‌گردد که البته به استفاده از تقیه در این حالت هرگز اشاره نشده است. امامان در نامه‌های سری خود به شاگردانشان همواره تکرار و تأکید می‌کنند که سر تحریف قرآن از سوی صحابه باید محفوظ بماند.^{۴۹} افزون بر این، به شاگردان خود سفارش می‌کنند که همانند سایرین، قرآن را بخوانند و تا زمان رجعت مهدی (عج) به این نسخه رسمی قناعت کنند. امام صادق (ع) زمانی که شنیدند شاگردی قرآن را احتمالاً بنا بر آموخته‌های خود می‌خواند، خواندن او را قطع کردند و به او فرمودند: «این قرائت را کنار بگذار و بسان دیگران بخوان تا زمانی که منحنی ما قیام کند. او کتاب خدای تعالی را همان گونه که بایسته است خواهد خواند و مصحف علی (ع) را آشکار خواهد کرد».^{۵۰}

سفیان بن سمط گفته است: «از امام صادق (ع) درباره نزول قرآن پرسیدم، ایشان در پاسخ فرمودند: آن را همان گونه که آموخته‌اید بخوانید (پیش از آن که از تعلیم ما آگاه شوید)».^{۵۱} به گفته امامان بازمی‌گردیم: قرآن کامل تقریباً سه برابر قرآن رسمی عثمان است. وحی اصیل در بردارنده تمام وقایع مربوط به گذشته، حال و آینده بوده است و فقط علی (ع)، تنها وارث و شاگرد برگزیده شده توسط پیامبر و خدای تعالی، نسخه‌ای از آن را در اختیار داشت.^{۵۲}

قرآن کامل مسأله‌ای فوق‌العاده حساس بوده و هست و حتی ابن بابویه، گرچه پیش از آن که عقلگرا باشد محدث است، دیگر نمی‌تواند همچنان در مورد بخش تکمیلی و اعتبار مصحفی تشکیک کند که مقبولیت عام یافته است. در پی غلبه جریان «کلامی، فقهی، عقلانی» در امامیه که با شیخ مفید آغاز می‌شود، متکلمین بزرگ امامی به طرق مختلف همچنان به آراء ابن بابویه نظر داشتند. این مسلمانان ضمن احترام کمابیشی که برای مولفانی همچون صفار قمی، کلینی یا نعمانی قائل بودند، به رغم مقاومت اقلیت اهل حدیث، تردید نداشتند که شکاکانه به اعتبار احادیثی که درباره بخش تکمیلی قرآن شبیه وارد کرده‌اند، اشاره کنند.

صحابه اصلی پیامبر (ص) و متنفذین قریش به رهبری ابوبکر و عمر، از آنجا که نسخه اصیل وحی دربرگیرنده آیاتی بود که به طور مشخص علی (ع) و اهل بیت پیامبر (ص) رابه عنوان الگو و رهبران امت معرفی کرده بود، به انکار و تحریف آن دست یازیدند.^{۵۳} قرآن کامل که مورد انکار واقع شد توسط علی (ع) پنهان نگاه داشته شد و مخفیانه از امامی به امام دیگر انتقال یافت تا این که امام دوازدهم آن را با خود به غیب برد. هیچ کس جز امام غایب از محتویات آن آگاه نیست، این قرآن به هنگام رجعت او به تمامه آشکار خواهد گردید. (تا آن زمان) در هر حالی، مسلمانان باید به روایت تحریف شده و ناقص عثمان که ناشی از رفتار خائنانه صحابه‌ای است که به واسطه غرور و حق ناشناسی خود، مسوول گمراهی عامه امت اسلامی شده‌اند، گردن نهند.

ابن بابویه، شیخ صدوق (م ۳۸۱/۹۹۱م) ظاهراً نخستین مولف بزرگ امامیه است که نه تنها به این مطالب اعتنایی نکرد بلکه موضعی مشابه

صحابه و تحریف قرآن اصلی توسط آنها چهره جدیدی به محتویات آراء امامان می‌دهد و دلایل برخی از اصطلاحات فنی و نظرات ایشان را باز می‌نمایاند.

نخست نظریه سب صحابه است. تاکنون، محققان، تنها دلایل سیاسی این نظریه را برجسته کرده‌اند: انتقاد شدید امامان به صحابه پیامبر (ص) به این دلیل است که آنها قدرت را از علی (ع) گرفتند.^{۴۴} اما بررسی دقیق مجموعه‌های حدیثی متقدم امامان نشان می‌دهد که اهمیت دلایل دینی، یعنی تحریف و انکار بخش تکمیلی قرآن - اگر نگوییم بیش از سیاسی نیست - دست کم با آن برابری می‌کند.

از نظر امامان، صحابه اصلی پیامبر (ص) به دلیل این «خیانت» مسوول اصلی رکود اخلاق و مبانی دینی در امت اسلامی هستند؛ رکودی که پس از رحلت رسول اکرم (ص) واقع شد. مطالبی که کلینی در روضه خود نقل کرده است، نشان می‌دهد که امامان از جهل و خشونت جامعه‌ای که پس از چند دهه کاملاً تعالیم و رهنمودهای پیامبر (ص) و خدایش را به فراموشی سپرده است، رنجورند و در این میان بی‌شک مقصر، کسانی هستند که تحریف پیام خدا را جایز دانستند. با زور و نیرنگ عامه مسلمانان را به پذیرش تحریف خود واداشتند. و به نظر می‌رسد کلام پیامبر (ص) که بسیاری از امامان آن را نقل کرده‌اند در چنین فضایی معنا پیدا می‌کند: «اسلام در آغاز غریب بود، و دویاره غریب خواهد ماند و خوشا به حال غرباء».^{۴۵}

افزون بر این، نظریه سب صحابه را می‌بایست تا حد برائت یا تبری گسترش داد.^{۴۶} از نظر امامان برائت یا تبری مکمل و متضاد اجتناب‌ناپذیر و ضروری ولایت (یا تولی) است. اگر ولایت یا تولی را حب و وفاداری به امام ترجمه کنیم، پس برائت یا تبری را می‌بایست نفرت و بی‌زاری از دشمن امام بدانیم و لازم است همزمان مراقب هر آنچه که این تضاد امام / دشمن امام یا مؤمنان وفادار امام / یاوران دشمنان امامان و نیز تمام زوج‌های مخالف را در برمی‌گیرد، نیز باشیم: جنود عقل و جنود جهل؛ آغاز نرد این دو به پیش از آفرینش جهان مادی باز می‌گردد؛ در یک سو اصحاب یمین (اهل بهشت) و در سوی دیگر اصحاب شمال (اهل جهنم) قرار دارند. این نبرد کیهانی در تمام ادوار تاریخ قدسی بین امامان و پیروانشان از یک سو و دشمنان امامان و هواداران آنها از سوی دیگر، ائمه عدل و ائمه جور، ائمه خیر و ائمه شر، ائمه نور و ائمه ظلمت، مرشدان آگاه و شاگردانشان و دشمنان آگاهی و رؤسای آنها، اهل ظاهر و باطن و ظاهر گرایان متعصب، همواره تداوم داشته است.^{۴۷}

بنا به فرموده امامان، نمی‌توان کاملاً دوستانه امام و اوامر او بود بدون آن که همزمان از دشمن او و دشمن امر او از زمان آفرینش بیزار بود؛ «مؤمنی» که پیرو امامان است، باید محب و مطیع مرشدی باشد که علوم الهی را به او می‌آموزد و از طرفی معاند و دشمن کسی باشد که مخالف این تعلیم است. از آنجا که رهبران جور و مردمنی که پیرو آنها هستند در اکثریتند و به اولیاء و خواص ایشان ستم کرده آنها را می‌رانند) جهان غرق در شرارت و گمراهی است و این وضعیت تا زمان رجعت ظفر مندانه مهدی (عج) ادامه خواهد یافت. همان گونه که ملاحظه کردیم، امامان، پیروان خود را از انراز و اظهار نفرت یا نافرمانی در قالب شورش و یا قیام علنی برحذر می‌داشتند؛ بنابراین، برائت تا هنگام رجعت امام غایب باید درونی باقی بماند. (و این امر در مورد ولایت نیز صادق است؛ چرا که اظهار آن برای شخص خطر مرگ در پی خواهد داشت)، حتی اگر در ظاهر، اطاعت از جائر الزامی باشد و این یکی از ابعاد نردی است که تا ابد، آگاهان و مخالفان آگاهی را رویاروی یکدیگر می‌نهد و سب صحابه یکی از راه‌های حفظ آن به شمار می‌رود.^{۴۸}

موضع اهل سنت اتخاذ نمود: «با به اعتقاد ما شیعه امامیه، قرآنی که به پیامبر نازل شده است با آنچه میان دو جلد است [یعنی نسخه رسمی عثمان] یکسان است... هر کسی که می‌گوید وحی منزل بیشتر از این قرآن است کذابی بیش نیست.» ابن بابویه اشاره‌ای به احادیثی که به تحریف، تبدیل و تغییر قرآن پرداخته‌اند، نمی‌کند و بیشتر از تألیف و حاشیه برخی آیات و سوره یا حذف تفاسیر علی (ع) بر قرآن توسط صحابه سخن می‌گوید؛ تنها مهدی است که نظم اصیل آیات و سوره قرآن و نیز تفاسیر ارزشمند علی (ع) بر آنها را آشکار خواهد ساخت.^{۵۴}

اما کمتر از چند دهه پیش از ابن بابویه، نعمانی در مورد تحریف قرآن اصیل توسط اهل سنت، سخن می‌گفت.^{۵۵} به نظر می‌رسد این تغییر موضع، مربوط به آخرین امام و ازواج و آزاری بوده است که اقلیت بدون پیشوا را تهدید می‌کرده است. قرآن کامل مسأله‌ای فوق‌العاده حساس بوده و هست و حتی ابن بابویه، گرچه بیش از آن که عقلمند باشد محدث است، دیگر نمی‌تواند همچنان در مورد بخش تکمیلی و اعتبار مصحفی تشکیک کند که مقبولیت عام یافته است. در پی غلبه جریان «کلامی، فقهی، عقلانی» در امامیه که با شیخ مفید آغاز می‌شود، متکلمین بزرگ امامی به طرق مختلف همچنان به آراء ابن بابویه نظر داشتند.^{۵۶}

این مسلمانان ضمن احترام کمابیشی که برای مولفاتی همچون صفار قمی، کلینی یا نعمانی قائل بودند، به‌رغم مقاومت اقلیت اهل حدیث، تردید نداشتند که شکاکانه به اعتبار احادیثی که درباره بخش تکمیلی قرآن شبهه وارد کرده‌اند، اشاره کنند. این یکی از معدود مواردی است که صلاحیت مؤلفین متقدم امامیه در خصوص [تعیین] اعتبار احادیث زیر سؤال می‌رود.^{۵۷} این روند تا به امروز همچنان ادامه دارد.^{۵۸} و می‌توان گفت از اواسط قرن ۴ هجری تاکنون، تقریباً تمام امامیه، کامل بودن و اعتبار مصحف عثمان را بسان اهل سنت پذیرفته‌اند. اکنون به دو سوره نامشخص قرآن یعنی سوره نورین و ولایه باز می‌گردیم. کارسن دتسی به‌رغم آن که دلیلی برای اثبات اعتبار این دو سوره ارائه نمی‌کند آنها را معتبر می‌داند. میرزا کاظم بگ که اساساً بر معیارهای سبک‌شناختی و ادبی تأکید دارد، اعتبار سوره اول را رد می‌کند. سنت کلریتسدال نیز همین اعتقاد را نسبت به سوره دوم دارد هر چند که احتمال اعتبار سوره اول را می‌پذیرد.^{۵۹} اشواللی با استفاده از روش‌شناسی تاریخی زمان پیدایش (نزول) سوره نورین را متأخرتر می‌داند.^{۶۰} بلاش نیز در این مورد با او موافق است.^{۶۱} اگرچه او هم، زمان کتابت سوره ولایت را نمی‌داند لکن استدلال هر دو را می‌توان یکسان پنداشت چرا که نسخه کشف شده توسط سنت کلریتسدال به قرن ۱۷ یا ۱۸ باز می‌گردد.

مسأله اعتبار این دو سوره همچنان پیچیده و مبهم باقی مانده است و این مسأله با قضیه اعتبار قرآن کامل امامان درهم تنیده است؛ شمار قابل توجهی از منابع امامیه همچنان به صورت نسخه خطی‌اند و برای شناخت بیشتر و بهتر آنها نیازمند چاپ و انتشارند. با این همه، عمده نسخه‌هایی که تاکنون به چاپ رسیده است نیز می‌بایست بگونه‌ای روشمند مورد تحلیل علمی قرار گیرند. زمانی که منابع متقدم تصحیح و چاپ گردند تاریخ نزول این دو سوره نامشخص را می‌توان بررسی نمود. به عنوان نمونه، ابن شهر آشوب مازندرانی (م ۵۸۸/ق ۱۱۹۲م) در مثالب النواصب خود می‌نویسد که دشمنان امامان (ناصبی)، که جمع آن نواصب است) تمام سوره ولایت را از قرآن حذف کردند (اسقطوا سوره ولایت کلاً)؛^{۶۲} عنوان سوره را یک‌نویسنده قرن ۶ ق/۱۲م ذکر کرده است، هر چند که مطلبی درباره محتوای آن گفته نشده است. آیا این همان سوره‌ای نیست که سنت کلریتسدال آن را تصحیح کرده است؟ در الذریعة شش کتاب تحت‌عناوین: تبدیل و التحریف و التحریف و التبدیل یا حتی التزیل من القرآن و التحریف، ذکر شده است که تاریخ چهار تایی آنها به قرن ۹/ق ۹ و ۱۰/ق ۱۰ باز می‌گردد و

پیش‌تر توسط نجاشی و طوسی در الفهرست ذکر شده است که به نظر می‌رسد جز یکی از آن‌ها مابقی از میان رفته‌اند. آیا احتمال دارد که اینها حاوی اشاراتی درباره این دو سوره باشند؟^{۶۳} تنها نسخه خطی موجود آن در دانشگاه تهران است؛ این نسخه، نسخه کتاب التزیل و التحریف ابو عبدالله احمد بن محمد سیاری، یکی از اساتید کلینی است؛ این اثر در ۵۴ برگ، آیات تحریف شده را از ابتدا تا آخرین سوره قرآن فهرست کرده است. کلینی یقیناً از این اثر استفاده کرده است. هر چند که در آن اشاره‌ای به این دو سوره نامشخص نشده است.^{۶۴} افزون بر این، در متون متقدم امامیه، اطلاعاتی را می‌توان یافت که موکد این مسأله باشند. هیچ‌شاهد تاریخی برای قرآن امامان وجود ندارد اما برخی اطلاعات وجود دارند که با یکدیگر سازگارند. به نظر نمی‌رسد که این مطالب، همانند انتقاد خوارج از نسخه رسمی قرآن، نظری باشند.

جدیث موضوع و برایندهای غیرقابل تصویری که این مسأله ممکن است در پی داشته باشد بعلاوه وظیفه شیعه در تقیه در مورد آنچه به مسائل بنیادین این مکتب مربوط است و نهایتاً روابط پیچیده‌ای (آمیزه‌ای از احترام و ظن) که مولفان اهل سنت از اهل بیت پیامبر (ص) با امامان داشته‌اند، همگی دست کم تا اندازه‌ای بیانگر قلت اطلاعات تاریخی در هر دو منبع امامیه و اهل سنت است. عحالتاً می‌توان این مسأله را بدیهی انگاشت که بنابر اعتقاد اصلی امامیه، یعنی سنت اصیل باطنی، سری، و فراعقلانی که پیش از غیبت امام دوازدهم [سنتی] غالب بوده است، بخش تکمیلی قرآن که علی (ع) آن را نگاشت و نیز مصحف تحریف شده عثمان به مثابه واقعیات "تاریخی" غیرقابل انکار مدنظر بوده‌اند، جز آن که بنا به گفته امامان، آنها تنها کسانی‌اند که با بخش تکمیلی قرآن (قرآن کامل) آشنا شدند و گذشته از این، محتوای آن نیز تنها با ظهور مهدی منتظر آشکار خواهد شد. آیا می‌توان گفت که مراد امامان از بیان این مسأله این بوده است که پیش از پایان زمان و رجعت مهدی (عج) هر متنی که به نظر می‌رسد به بخش تکمیلی قرآن (قرآن کامل) تعلق دارد، تحریف شده و جعلی است؟ همان گونه که ملاحظه کردیم، امامان آیاتی از این قرآن را برای شاگردانشان قرائت می‌کردند و در ضمن، مؤکداً سفارش می‌کردند که آنها باید تقیه کنند. همچنین ممکن است چنین تصور شود که آنها عناوین برخی سوره‌ها را نیز ذکر کرده باشند، هر چند که در مجموعه‌های حدیثی متقدم، هیچ ذکری از یک سوره کامل نیامده است. به دلایل اعتقادی، تصور این که امامان تمام سوره‌ها را برای شاگردانی که ممکن است در جایی در رازداری به خطا روند (در وفاداری به رازتعلیل کنند) برنموده‌اند، برای ما بسیار دشوار است. از این رو برای تشکیک در اعتبار این دو سوره دلایل اعتقادی نیز موثرند.^{۶۵}

پی نوشتها:

- ۱) به عنوان نمونه مقایسه کنید با بصائر، بخش ۱، فصل ۲۰؛ بخش ۲، فصل ۱۳؛ بخش ۶، فصل ۱۵؛ بخش ۸، فصل ۷۰۶؛ کلینی، اصول، کتاب فضل العلم، باب الرد الی الکتاب و السنة؛ ج ۱، صص ۷۶ - ۸۰، باب الاخذ بالسنة و شواهد الکتاب، ج ۱، صص ۸۸ - ۹۰.
- ۲) وکل حدیث لا یوافق کتاب الله فهو زخرف، کلینی، اصول، همان، ص ۸۹.

۳) وقد وُلّی رسول الله و انا أعلم کتاب الله و فیه بدء الخلق و ما هر کائن الی یوم القیامه و فیه خبر السماء و خبر الارض و خبر الجنة و خبر النار و خبر ماکان و [خبر] ماهر کائن، أعلم کما أنظر الی کفی... کلینی، اصول، ج ۱، ص ۷۹، ش ۵۸ نیز مقایسه کنید با بصائر، بخش ۳، فصل ۵ - ۷، صص ۱۲۴ - ۳۰.

۴) Chapitre Inconnu du Coran" par Pabli et traduit pour la premiere fois

۵) م، گارسن دتسی (JA)، M. Garin de Tassy، ج ۱۳، مه ۱۳۴۲، صص ۴۳۱ - ۳۹ -

۱۲) امام صادق (ع) در حدیثی می‌فرماید: «أَنَّ الْقُرْآنَ الَّذِي جَاءَ بِهِ جِبْرِئِيلُ إِلَى مُحَمَّدٍ (ص) سَمِعَهُ عَشْرَ آيَاتٍ»، کلیتی، اصول، کتاب فضل القرآن، ج ۴، ص ۴۴۶، ش ۳۵۸۲.

۱۴) أَخْرَجَهُ [الكتاب] عَلَى الْإِنْسَانِ حَيْثُ فَرَعَ مِنْهُ وَكَتَبَهُ فَقَالَ لَهُمْ هَذَا كِتَابُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهُ اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ (ص) وَ قَدْ جَمَعْتَهُ بَيْنَ اللَّوْحَيْنِ قَالُوا هُوَ ذَا عِنْدَنَا مِصْحَفٌ جَامِعٌ فِيهِ الْقُرْآنُ لِأَحَادِيثِنَا فِيهِ فَقَالَ أَمَا وَاللَّهِ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ يَوْمِكُمْ هَذَا أَبَدًا أَمَا كَانَ عَلَى أَنْ أُخْبِرَكُمْ حِينَ جَمَعْتَهُ لِنُقْرَأَهُ، بصائر، بخش ۴، ص ۱۹۳، ش ۳، کلیتی، اصول، کتاب فضل القرآن، ج ۴، صص ۴۲۳-۴۴، ش ۳۵۷۷.

۱۵) امام صادق (ع) در آغاز حدیثی که در پی نوشت پیشین آمد چنین می‌فرماید: «فَإِذَا قَامَ الْقَائِمُ قَرَأَ الْكِتَابَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى حَذِّهِ أَخْرَجَ الْمِصْحَفَ الَّذِي كَتَبَهُ عَلَى (ع)».

۱۶) کلیتی، اصول، باب فی کم یقرأ القرآن و یُحْتَم، ج ۴، صص ۴۲۲-۴۲۳، ش ۳۵۳۶، درباره حسین بن خالد بن طهمان ابوعلی کوفی امیری معروف به ابن‌اسی‌العلاء، شاگرد امامان پنجم و ششم (ع) به عنوان نمونه بنگرید به نجاشی، رجال، کشی، رجال، ص ۲۳۳، اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، صص ۲۳۹-۲۳۱.

۱۷) کلیتی، اصول، باب النوادر، ج ۴، صص ۴۴۰-۴۴۱، ش ۳۵۷۰؛ تصویر ناخوشایندی که نعمانی از علی (ع) نقل می‌کند همین اطلاعات را دربردارد: «أَصْبَحَ بِنِيبَاتِهِ كَقَتَّةٍ اسْتَيْدِمَ كَمَا عَلَى (ع) مِي فَرَمُود: مِنْ مِي تَوَانِمِ عِجْمِ هَا [عجم: یعنی پیروان امام غایب به هنگام رجعتش] را که در مسجد کوفه شخمه برپا کرده‌اند و قرآن را همانگونه که خداوند نازل کرده است به مردم می‌آموزند (يُتْلَهُمُ النَّاسُ الْقُرْآنَ كَمَا أَنْزَلَ) بیستم: پرسیدم ای مولای متقیان، آیا این قرآن، قرآنی نیست که بر محمد (ص) نازل شده است؟ (أَوَلَيْسَ هُوَ كَمَا أَنْزَلَ؟) ایشان پاسخ دادند: خیر، اسامی هفتاد نفر از قریش و اسامی پدرانشان حذف شده است؛ و تنها نام ابولهب را به جهت تحقیر پیامبر باقی گذاشتند چرا که او عموی پیامبر بود. [نعمانی، کتاب الغیبه، باب ۲۱، ص ۴۵۲، ش ۵]. به هنگام بحث در خصوص نبی‌های خاص امامان به موضوع ملاحم خواهیم پرداخت. درباره احمد بن محمد بن ابی‌تصرا ابوعلی بزنطی کوفی، شاگرد امامان هشتم و نهم (ع) بنگرید به نجاشی، رجال، علامه حلی، خلاصه: مآمناتی، تنقیح المقال، درباره اصعب بن نباته تمیمی حنظلی، امین و شاگرد امام اول، بنگرید به منابع مذکور و نیز اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۱۰۶.

۱۸) کلیتی، اصول، باب فی کم یقرأ القرآن و یُحْتَم، ج ۴، ص ۴۳۶، ش ۳۵۵۸، امام باقر (ع) در حدیثی می‌فرماید: «نَزَلَ الْقُرْآنُ أَرْبَعِ أَرْبَعِينَ رُبْعًا وَ رُبْعِ قَبْلًا وَ رُبْعِ فِئْتًا وَ رُبْعِ فِئْتًا وَ رُبْعِ سَنٍّ وَ أَمْثَالٍ وَ رُبْعِ فَرَائِضٍ وَ أَحْكَامٍ»، درج ۴، ص ۳۵۵، ش ۳۵۵۶، کلیتی (ع) می‌فرماید که قرآن به سه بخش تقسیم شده است: بخشی به مصومین و دشمنان ایشان اختصاص دارد، بخشی به حکایات و تمثیلهای و بخش آخر به احکام و فرایض اختصاص یافته است. در شماره بعدی در صفحه ۴۳۶ امام صادق (ع) قرآن را به ۴ بخش تقسیم می‌کنند: احکام مربوط به حلال و حرام، تمثیلهای احکام و گزارش وقایع گذشته و آینده و داوری کردن.

۱۹) امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَأَتَّبَعُوا مَا تَتَلَوُا الشَّيَاطِينُ بُولَايَةِ الشَّيَاطِينِ عَلَى مَلِكٍ سَلِيمَانَ» کلیتی، روضه، ج ۳، ص ۱۱۴، ش ۴۴۰.

۲۰) امام علی (ع) می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثُ وَالنَّسْلَ بَظَلْمِهِ وَ سُوءِ سِرِّتِهِ وَ اللَّهِ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» کلیتی، روضه، ج ۲، ص ۱۱۳، ش ۴۳۵.

۲۱) امام صادق می‌فرماید: «سَلَّى بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا أَنْبَأَهُمْ مِنْ آيَةِ بَيْتَةِ فَنَبَهُمْ مَنْ أَمَرُوهُ مِنْهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مَنْ أَمَرُوهُ مِنْ آفَرٍّ وَ مِنْهُمْ مَنْ بَدَّلَ وَ مَنْ سَدَّلَ نِعْمَةً اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ»، کلیتی، روضه، ج ۲، ص ۱۱۴، ش ۴۴۰.

۲۲) امام کاظم (ع) می‌فرماید: «لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا وَ مَا تَحْتُ الثُّرَى عَالَمُ الْغَيْبِ وَ عَالَمُ الشَّهَادَةِ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ»، کلیتی، روضه، ج ۲، ص ۱۱۳، ش ۴۳۷.

۲۳) امام صادق (ع) می‌فرماید: «وَ كَتَمْتُ عَلَى شَفَا حَفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَاتَّقِذْكُمْ مِنْهَا بِمُحَمَّدٍ»، کلیتی، روضه، ج ۱، ص ۲۶۵، ش ۲۰۸.

۲۴) امام علی (ع) می‌فرماید: «أَوْلَيْكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَعَرِّضْ عَنْهُمْ قَدَّ سَبَقَتْ لَهُمُ الْعَذَابُ [اینجا عظیم حذف شده است] وَ قُلْ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا»، کلیتی، روضه، ج ۱، ص ۲۶۶، ش ۲۱۱.

۵) از اواخر قرن هجدهم از طریق مباحثات علمی بیشمار در خصوص مسأله هویت مؤلف قرآن، دو اسم در صدر قرار دارند: محسن قانی کشمیری شاه‌علوی استانی، «تُرَالِقَارُ؟» اما در پژوهشی به سرپرستی رحیم و طیار ده، که در پی تصحیحش از متن کامل این اثر انجام گرفت به نظر می‌رسد که گویا مؤلف آن کسی خسرو اسفندیار است؛ او ظاهراً پسری یکی از مغانهای زردشتی معروف ایران به نام آذ، کیوان بوده است؛ آذر کیوان فردی فیلسوف و باطن‌گرا بود که به همراه شاگردانش در اواخر قرن ۱۶ و اوایل قرن ۱۷ به هند مهاجرت کرد. (تأسیسه کشید با سر چی، چی، مزی

Sir. J. J. Modi (the Priest (Dastr Azar Kalwn 1529-1614 A.D) with his Zoroastrian* A parsee High Oriental Institute Disciples in panta in the 16th and 17th Century A.C* Journal of K.R. Cama

ج ۱۹۳۲، صص ۱-۹۵، م، مبین، آذرکیوان و پیروان او، مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، ش ۳، سال ۱۳۳۶، ش ۱۹۵۸؛ متن سوره دونور (نورین): دبستان مذاهب، تصحیح رحیم‌رضازاده ملک، تهران، ۱۳۶۲، ش ۱۹۸۳، ج ۱، صص ۲۴۶-۷۴.

6) Inconnu de coran* Observations de Mirz Alexandre Kazem-Beg, professeur de langues orientales l'universit de casan, sur le chapitre JA, ج ۱۴، دسامبر ۱۸۴۳، صص ۳۷۳-۴۲۹.

۷) ست کلر تسدال ("Shiah Additions to the koran"، St. Clair Tisdal، MW، ۳، جولای ۱۹۱۳، ش ۳، صص ۲۲۷-۴۱.

۸) مقایسه کنید با اسوالی - نولدکه، "Geschichte des Qorans"، ج ۲، Sammlung des Qorans Die، لایپزیگ، ۱۹۱۹، صص ۹۴-۱۰۲؛ آر، پلاشر

9) مقایسه کنید با آ. جفری "Introduction an Coran"، بلخه (R.)، پاریس، ۱۹۵۸، صص ۱۸۴-۸۶. A. Jeffery (Zid b. Ali "The Qurnic Readings of" جفری، Hollster، لندن، ۱۹۵۵، صص ۲۸-۲۹، دی. رهبر "The sha of" Relation" D. Rahbar، MW، ۵۱، ج ۵۱، ش ۳، جولای ۱۹۶۱، صص ۹۸-۹۲، ج ۵۲، ش ۱، ژوئن ۱۹۶۲، صص ۱۷-۲۱، ج ۵۲، ش ۲، آوریل ۱۹۶۲، صص ۱۲۴-۲۸؛ جی. ایلایس "Reconsideration of Goldzilbers Interpretation" (J. Ellash)، Arabica، ج ۱۶، ۱۹۶۹، اس. حسین، م. جفری، "Origins and Early Development" of sha Islam، صص ۳۱۳ به بعد؛ ج. مدرسی طباطبایی، "Early Debates on the Integrity" (Quran)، ج ۷۷، ۱۹۹۳، صص ۳۹-۵.

۱۰) مقایسه کنید با آی. گلدزیهر، "ber den Islama Vorlesungen"، هیدلبرگ، ۱۹۱۰، صص ۲۰۱-۷۸؛ آی. گلدزیهر، "Richtungen der, uppsats" ۱۹۱۳، (چاپ مجدد در لایپزیگ ۱۹۵۲)، خاصه صص، ۲۶۳-۳۰۹، براگ، هرتلیگ، بوئنی، بوئنی، اسلامولوجی، ۱۹۵۷-۶۳، آی. کلبرگ، "Some Notes on the Imamate Attitude to the Quran" فلسفه اسلامی و سنت کلاسیک: مقالات به آر. والزر (R. Walzer)، تقدیم شده‌اند. اورشلیم، ۱۹۷۲، صص ۲۰۹-۲۴؛ جی. آ. نومن "The Development and political" Newman، Significance" ۱۸۵-۸۸ برای پژوهشی عالمانه در خصوص مسائل مربوط به این موضع بنگرید به "Zw" untersuchung" Schla aus der sicht eines schilten" problem ihrer" Die، Festschrift Werner Casel، م. ایوب "The speaking Qurn and" (Development of Imami shitafrs)، M. Ayoub، the silent Qun: A study of thd principle and the History of the Interpretation of the Qurn Approaches to the Qurn، Ripplin (A)، آکسفورد، ۱۹۸۸، صص ۱۷۷-۹۸.

۱۱) امام باقر در حدیثی می‌فرماید: «مَا مِنْ أَحَدٍ مِنَ النَّاسِ يَقُولُ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كُلَّهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا كَذَّابٌ وَ مَا حَفِظَهُ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَّا عَلَى مَنْ أَسِطَلَبُوا وَالْأَمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ»، بصائر، بخش ۴، باب ۶، ص ۱۹۳، ش ۲، کلیتی، اصول، کتاب الحججه، باب انه لم یُجَمِّع القرآن كله الا الاتمة، ج ۱، ص ۳۳۲، ش ۱.

۱۲) امام باقر (ع) در حدیثی می‌فرماید: «مَا يَسْتَطِيعُ أَحَدٌ أَنْ يَدَّعِيَ أَنَّهُ جَمَعَ عِنْدَهُ جَمِيعَ الْقُرْآنِ كُلِّهِ ظَاهِرِهِ وَ بَاطِنِهِ غَيْرَ الْأَوْصِيَاءِ»، بصائر، همان، ش ۱؛ کلیتی، اصول، همان، ش ۲.

۲۵) امام صادق (ع) می فرمایند: «م لا یجدوا فی انفسهم حرجاً مما قضیت من امر الوالی و یسألوا له تعالی تسلیماً و لو انا کنینا علیهم ان انظروا انفسکم و سلّموا الامام تسلیماً او اخرحوا من ديارکم لما هم قتلوا الا تکلیب منهم و لو انا اهل الخلاف [به جای: انهم] قتلوا ما یو عظون به لکان خیراً لهم و اشدّ تیباً، کلینی، روضه، ج ۱، ص ۲۶۵ - ۲۶۶.

۲۶) امام رضا (ع) می فرمایند: «فأنزل الله سکتته علی رسولہ [به جای علیه] و ایدّه بجنود لم ترّوها، کلینی، روضه، ج ۲، ص ۲۳۱، ش ۵۷۱؛ در ابتدای آیه ماجرای غاری که پیامبر و ابوبکر در آن پنهان شده بودند آمده است؛ مطلبی که ذکر کردیم، در نسخه رسمی قرآن با اندکی ابهام در خصوص هیت کسی که سکتیه بر او نازل شده و جنود نامرئی که از او حمایت و حفاظت می کنند، اشاره شده است: آیا آن شخص پیامبر بوده یا ابوبکر؟ به اعتقاد امامان نسخه اصیل قرآن چنین ابهامی ندارد.

درباره سکتیه قرآن که از شیخینا عبری گرفته شده است (در سنت یهودی، شیخینا عبارت است از: خدا، حضورش در مان، یا خود خدا (ذات)؛ این واژه در سنت مسیحی به عظمت خدا، حضور الهی اشاره دارد) مقایسه کنید با دی. ماسون (D. Masson, "Le Coran"), ج ۱، پی نوشتها، سوره بقره آیه ۲۴۸. برای معنای سکتیه نزد امامان به عنوان نمونه بنگرید به ابن بابویه، معانی الاخبار، صص ۲۸۵-۲۸۵.

۲۷) امام صادق (ع) می فرمایند: «لقد جاءنا [جانکم] رسول من انفسنا [انفسکم] عزیز علیہ ما عشتا [عشتم] حرص علینا [علیکم] بمؤمنین وثرف ورحیم، کلینی، روضه، ج ۲، ص ۲۳۱، ش ۵۷۰.

۲۸) امام صادق (ع) می فرماید: «ولقد عهدنا الی آدم من قبل کلمات فی محد وعلی و فاطمه و الحسن و الحسین و الائمه من ذریعتهم فنیس»، کلینی، اصول، کتاب الحجّه، باب فیه نکت و نف من التنزیل فی الولاية، ج ۲، ص ۲۸۳، ش ۲۳.

۲۹) امام علی (ع) می فرمایند: «و ما أرسلنا من قبلک من رسول و لانی و لامحدث الا اذا تمنا الی الشیطان فی أمئته»، بصائر، بخش ۷، فصل ۱۹، ش ۳۱۹، ص ۳، ۳۲۱، ش ۱۸ علی بن ابراهیم قمی، تفسیر، ج ۲، ص ۹۹ ابن بابویه، حلق، ص ۱۸۳ این روایت نیز آیه، قدیمی است و مربوط به نسخه عبدالله بن عباس (م ۳۸۶/۱۸۶). مقایسه کنید با آ. جفری، Materials for the text of the Quran (History of the Quran)، ج ۲ (۲۰۲) است و گفته شده است که قتاده (م ۷۳۵-۳۶۱/۱۸۰) در این مورد از قرائت ابن عباس پیروی کرده است. (مقایسه کنید با مجلسی، بحار، ج ۷، ص ۲۹۲). برای نظر اهل سنت درباره این قرائت بنگرید به ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۳، ص ۱۱۵، (از احیاء العلوم فرزالی نقل می کند) یا سقلائی، ارشاد الساری، ج ۶، ص ۱۰۳.

۳۰) امام صادق (ع) می فرمایند: «و من طیع الله و رسوله فی ولاية علی و ولاية الائمه من بعده فقد فاز فوزاً، کلینی، اصول، همان، ج ۲، ص ۲۷۹، ش ۸.

۳۱) امام رضا (ع) می فرمایند: «شرع لکم با آل محمد من الذین ما وصی به نوحاً و الذی اوتینا الیک یا محمد و ما وصینا به ابراهیم و موسی و عیسی ان اتیموا دین آل محمد [به جای: الذین] و لا تفرقوا فیه و کونوا علی جماعه کثر علی المشرکین من أشربک بولاية علی ما تدعوههم الیه من ولاية علی ان الله یا محمد یتدی الیه من ینیب من ینیبک الی ولاية علی [به جای: ینیبی الیه من ینیب و یتدی الیه من ینیب]، کلینی، روضه، ج ۲، ص ۱۶۳، ش ۵۰۲ نیز مقایسه کنید با کلینی، اصول، کتاب الحجّه، باب ان الائمه ورثوا علم النبی و جمیع الاتیاء...، ج ۱، صص ۳۲۴-۲۹، ش ۱ و باب فیه نکت...، ج ۲، ص ۲۸۵، ش ۳۲ (با تغییر)؛ سنت کلر تبدال، Shah Additions to koran، ص ۲۳۹ (با تغییر).

۳۲) امام علی (ع) می فرمایند: «سأل سائل بعذاب واقع / للکافرین بولاية علی لیس له دافع / من الله ذی المعارج»، کلینی، روضه، ج ۱، ص ۸۳، ش ۱۸، کلینی در کتاب الحجّه، احادیث مربوط به قرائت های امامان از قرآن را در بابی واحد گردآوری کرده است. در این احادیث اشارات بسیاری به علی (ع)، معصومین (ع) و ولایت ایشان شده است. همچنین جسته گریخته تفاوت های بارز قرائت ایشان با قرائت رسمی قرآن خاطر نشان شده است. برخی از اینها را پیش تر ذکر کرده ایم. در اینجا جهت اختصار تنها ارجاعات آنها را می آوریم؛ کلینی، اصول، کتاب الحجّه، باب فیه نکت و نف من التنزیل فی الولاية، ج ۲، صص ۲۶۶-۲۱۸، ش ۲ به عنوان نمون ج ۱۱۶ (شماره کتاب) (= ۲۷، شماره باب)، (= ۹۱) ۱۱۷۰ (= ۹۱) ۱۱۶۹ (= ۶۴) ۱۱۶۳ (= ۵۸-۶۰) ۱۱۳۷ (= ۵۱) ۱۱۳۰ (= ۴۵-۴۸) (= ۲۷-۲۱) ۱۱۲۴ (= ۱۱۰). نیز بنگرید به تفاسیر مقدم امامیه نظیر تفسیر امام

حسن عسکری (ع) (تصحیح لاک ناول)، ص ۳۳؛ تفسیر علی بن ابراهیم قمی (که بخش اصلی پژوهش گلدزیهر مبتنی بر آن است) صص ۵-۱۱؛ تفسیر قرات بن ابراهیم (در بحار الانوار، ج ۱/۱۹، ص ۱۵)؛ یا تفسیر عیاشی (بحار الانوار، ج ۱/۱۹، صص ۱۵ و ۳۰)؛ بر اساس سایر منابع امامیه بنگرید به ای. کلبرگ، "Some Notes on the Imamite Shitide to the Quran", صص ۲۱۱-۱۴. برای سایر ارجاعات به قرآن امامان بنگرید به میر. ام. بر. Meir M. Bar-Asher, "Variant Readings of the Quran", Israel Oriental Studies, and

Additions of the Imam-shia to، ج ۱۳، ۱۹۹۳، صص ۲۹-۷۴. ۳۳) به عنوان نمونه بنگرید به کلینی، اصول، همان، ج ۱، ص ۱۳۹، ش ۶۹؛ ج ۲، صص ۲-۳، شش ۲۴۹ ۲۴۸ ۲۴۷؛ ج ۲، ص ۶۰، ش ۳۴۹؛ نعمان، کتاب النبیّه، باب ۱۴، صص ۳۹۱-۹۲، ش ۴۹.

۳۴) درباره حدیث معروف دو چیز گرانبها که خاصه نزد شیعیان بسیار مقدس است بنگرید به بصائر، بخش ۸، فصل ۱۷، صص ۱۱۴-۱۱۴؛ ابن بابویه، عیون، باب ۶، ج ۱، صص ۵۷-۵۸، شش ۲۶ ۲۵؛ ابن بابویه، امالی، صص ۵۳۳ ۴۱۵ ۴۱۵؛ بعد؛ ابن بابویه، کمال الدین، باب ۲۲، صص ۲۳۴ به بعد؛ کتب حدیثی اهل سنت، مقایسه کنید با مسلم، صحیح، ج ۳، صص ۳۲۵-۳۲۶؛ ترمذی، سنن، ج ۲، ص ۳۰۸؛ ابن حنبل، مسند، ج ۳، صص ۵۹ ۲۶ ۱۷ ۳؛ ج ۴، صص ۳۶۶-۳۶۷؛ ج ۵، صص ۱۵۱-۵۲.

۳۵) ابن بابویه، امالی، مجلس، ۴۷، ص ۲۸۰، ش ۹. ۳۶) کلینی، روضه، ج ۲، صص ۲۴۶-۴۷، ش ۵۸۶؛ شریف رضی در گردآوری نوح البلاغه این متن را آورده است (صص ۴۴۷-۴۴۸)، اما آخرین جمله آن را که با تفصیل بیشتری به موضوع می پردازد، حذف کرده است. به این مسأله خواهیم پرداخت.

۳۷) کلینی، روضه، ج ۱، صص ۷۵-۷۹ (نامه امام باقر به سعد الخیر، که باید سمدین طریف حنظلی باشد؛ مقایسه کنید با اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، صص ۳۵۴-۳۵۵، ج ۱، صص ۳۰-۲۰) (نامه امام کاظم (ع) به شاگردان ایشان -اصحابه، ج ۱، صص ۱۷۹-۸۶) (نامه امام کاظم (ع) به علی بن سويد تمار ساعی، شاگرد امام هفتم و هشتم؛ مقایسه کنید با کشی، رجال، ص ۱۲۸۳، نجاشی، رجال، شیخ طوسی، رجال، ص ۳۵۴، ش ۱۶؛ علامه حلی، خلاصه، اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، ص ۵۸۵.

۳۸) «کل امة قد رفع الله عنهم علم الکتاب حين تتذوه و ولّاهم عدوهم... اقاموا حروفه و حرقوا حدره... غيروا عری الذین فاعرف اشباه الاحبار و الزهّان الذین ساروا بکتمان الکتاب و تحریفه... اعرف اشباههم من هذه الامّة الذین اتاموا حروف الکتاب و حرقوه»، روضه، ج ۱، صص ۷۶-۷۷.

۳۹) «لا تتنصّ دین من لیس من الشیعة... فانهم خاتون خانوا الله و رسوله و خانوا امامانهم... یؤمنوا علی کتاب الله فحرقوه و بذّبوه... و دلّوا علی ولا الامر منکم فانصرفوا عنهم...»، کلینی، روضه، ج ۱، ص ۱۸۱.

۴۰) اشعری، مقالات الاسلامیین، تصحیح اج. ریتز، ص ۴۷، و یادداشت مصحح.

۴۱) ابن حزم، فصول، ج ۴، ص ۱۸۲.

۴۲) اسفراینی، طاهرین محمد، التبصیر فی الذین، ص ۴۳.

۴۳) به عنوان نمونه، بنگرید به بصائر، ۴، فصل ۶، (علیه سه خلیفه اول)؛

کلینی، روضه، افزون بر ارجاعات پی نوشت های ۴۴ و ۴۵، بنگرید به ج ۱، ص ۱۸ (علیه عمر)، ج ۱، صص ۲۷۳-۷۴ (علیه ابوبکر و عمر)، ج ۱، ص ۲۸۵، (علیه عثمان)، ج ۲، ص ۱۸ (علیه ابوبکر و عمر)، ج ۲، ص ۲۵ (علیه بن امیه) ج ۲، ص ۵۵ (علیه ابوبکر و عمر)، ج ۲، ص ۱۷۲ (علیه ابوبکر و عمر)، ج ۲، ص ۱۸۶ (علیه عمر)، ج ۲، ص ۲۴۵ (علیه عثمان)؛ کتاب عیاد العصفوری، اصول الاربعاء، نسخه خطی، دانشگاه تهران، ش ۹۲۶ (خاصه علیه عمر؛ نعمانی، محکم و متشابه) (بخش هایی از تفسیر امام صادق (ع)، مجموعه ای که به نام شریف مرتضی منتشر شده است)، ص ۱۲ (علیه صحابه)؛ امام حسن عسکری (ع)، تفسیر، صص ۱۹-۲۴ (علیه صحابه).

۴۴) مقایسه کنید با آی، گلدزیهر، "Spotnamen der ZDMG, den schiten", MO, kommentar der Tradition ersten chailfen bei، ج ۱۵۰، ۱۹۰۱، اس. ددونگ (علیه سه خلیفه اول)؛ به بعد؛ ام. جی. اس. هاجسن "How did the sekten", (S. Dederling V3 ber dies، ج ۱۹۳۱، ۲۵، خاصه صص ۴۰ به بعد؛

در صفحه ۲۱۸، پی‌نوشت ۹۹ نام محمدتقی نووی (م ۱۳۲۰/۱۹۰۵) را آورده است که او ابن بابویه را متهم می‌کند که او اول بار احادیث امامان در خصوص تعریف بخش تکمیلی قرآن توسط اهل سنت را انکار کرده است.

(۵۸) تنها کافی است بدانیم که مصححان و مترجمان آثار کلینی و نعمانی که همگی از عالمان دین پژوه به‌شمار می‌روند هنگام بررسی احادیث مورد بحث ما در کتمان آنها با چه دشواری‌هایی روبرو بوده‌اند. آنها در برخی موارد جهت اثبات اینکه متن‌های (بخش‌های) "اضافی" قرآن، تفاسیر امامان است. از نظام سجاوندی دلخواه (مورد نظر) خود استفاده می‌کنند.

در سایر موارد در پی‌نوشت‌های مربوط به چگونگی سلسله‌های انتقال این احادیث، بحث‌های طولانی و خودسرانه‌ای به چشم می‌خورد.

(۵۹) بنگرید به پی‌نوشت‌های ۱۰۷، ۱۰۶، ۱۰۴. برای انتقاد منظم و تاریخی نیز بنگرید به م رامیار، «تاریخ قرآن»، صص ۱۶۷-۷۴.

(۶۰) ت. تولدکه (Th. N. Ideke)، اف. اشوالی (F. Ashwally)، Die Sammlung des Korans (اشوالی)، صص ۱۰۰-۱۲ (که همچنین نظریاتی را مطرح کرده است که بر طبق آنها چندین سوره، آشکارا کوتاه‌شدند. به عنوان نمونه سوره نور (سوره ۲۴) که ۱۰۰ آیه بوده است اکنون ۶۴ آیه است، سوره حجر (سوره ۱۵) به جای ۹۹ آیه ۱۹۰ آیه بوده است و سوره احزاب (سوره ۳۳) که امروز ۷۳ آیه دارد، همانند بقره ۲۸۶ آیه بوده است. (۶۱) آر. بلاشر (R. Balchre)، Introduction au Coran، صص ۱۸۵-۸۱.

(۶۲) ابن شهر آشوب، مثالب النواصب، نسخه خطی کتابخانه ناصریه، لاک ناز، برگ ۴۳ آ (از م، شوشتریان به خاطر استفاده از نسخه خطی ایشان سیاست‌گزاریم، صفحه‌بندی از م. شوشتریان)؛ میرزا حسین نووی طبرسی (م ۱۳۲۰/۱۹۰۵) نیز در فصل الخطاب فی تحریف الکتاب خود (چاپ سنگی ۷ تهران، بی‌تا، صص ۱۵۶-۵۷) این مطلب را از ابن شهر آشوب نقل می‌کند.

(۶۳) طهرانی، آقا بزرگ، الذریعه، ج ۳، ص ۳۶۱، ش ۱۱۵۱، صص ۳۹۴-۹۵، ش ۱۷-۱۴۱۵، ج ۴، ص ۵۴، ش ۱ (۲۰۲۲ و ۲)؛ برای سایر منابع بنگرید به‌ای. کلبرگ، "Some Notes..."، ص ۲۱۳.

(۶۴) مجموعه نسخه خطی‌ای که سید محمد مشکات به دانشگاه تهران اهدا کرده است، نسخه خطی، ش ۸۴۲ (الذریعه، ج ۴، ص ۵۴، ش ۲۰۲۲ - ۲۰۲۱) این نسخه خطی متعلق به علامه میرزا حسین نووی طبرسی است و در حواشی آن نام، امضاء و یادداشت‌های ایشان به چشم می‌خورد و ایشان بی‌شک از این نسخه در نگارش "فصل الخطاب" استفاده کرده‌اند. این علامه محدث بی‌شک از ترس اینکه مبدا "تکثیر" شود از ارائه موضع و نظر صریحی در خصوص مسأله قرآن امامان پرهیز کرده است. او بدون بیان هیچ‌گونه نتیجه‌گیری صریحی به ارائه اطلاعات اکتفا می‌کند اما حتی با وجود این نیز از سرزنش فقهایی که او را به تشکیک در بخش تکمیلی قرآن رسمی متهم می‌سازند در امان نیست. (به‌عنوان نمونه، شیخ محمود معرب طهرانی، کشف الارتیاب فی عدم تحریف الکتاب، تهران، ۱۳۰۲/۱۸۶۴). آقا بزرگ، مولف الذریعه، شاگرد نووی طبرسی در اثر خود با نام النقد اللطیف فی نفی التحریف عن القرآن الشریف در دفاع از اسناد خود کوشیده است ثابت کند که وی قصد تهمت زدن به کسی برای تشکیک در بخش تکمیلی قرآن رسمی را نداشته است. و تنها اشتباه او در عنوان نام‌نمایی است که برای اثرش برگزیده است (مقایسه کنید با الذریعه، ج ۴، ص ۲۷۸، ش ۱۴۳۲).

(۶۵) متن پیش‌رو، سوره ولایه است که از نسخه کشف شده سنت کلر تیسداال گرفته شده است. تیسداال خود آن را به انگلیسی ترجمه کرده است (مقایسه کنید با پی‌نوشت). این سوره (متن) در چاپ عکس آن به هفت آیه تقسیم شده است و عنوان آن "ولایت" (با نای کشیده) است. این نسخه را احتمالاً یک ایرانی کپی کرده است چرا که ترجمه‌های میان سطور (اگرچه در تمام موارد به متن وفادار نیستند) به فارسی‌اند:

سورة الولاية: ۷ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ / يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّيْلِ وَاللَّيْلِ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَكُمْ لِيَهْدِيَكُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ / تَبَىٰ وَوَلَّىٰ بَعْضُهُمَا مِنْ بَعْضٍ وَانَا الْعَلِيمُ الْخَبِيرُ / إِنَّ الَّذِينَ يُوَفُّونَ بِعَهْدِ اللَّهِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ / وَالَّذِينَ إِذَا تَلَّيْتُمْ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا كَانُوا بِآيَاتِنَا كَاذِبِينَ / أَنْ لَكُمْ فِي جَهَنَّمَ مَقَامًا عَظِيمًا إِذَا نُودِيَ لَهُمْ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَيْنَ الظَّالِمُونَ الْمَكِيدُونَ لِمُتْسَلِّينَ / مَا خَلَقَهُمُ الرَّسُولِينَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانَ اللَّهُ يُظَاهِرَهُمْ إِلَىٰ أَجْلِ قُرْبٍ / وَسَخَّ يَخْمَدُ وَيَنْكُ و عَلَىٰ مِنَ الشَّاهِدِينَ .

Die Zwlfer - Schia aus", the, (M. G. S, ج ۱۹۵۵، ص ۷۵، ۶ به بعد؛ آ. فلاتوری، "Der sieht eines schilfen", صص ۷۸ به بعد؛ مقاله فوق‌العاده ای. کلبرگ با عنوان "the JSA - shaha" - "Sama - Imm - Chy. - e. o.", ج ۱۹۸۴، صص ۱۴۶-۷۶ (هرچند این همه به ای‌های کاملاً مستند است لکن نویسنده محترم ارتباطی بین سب صحابه و تردید در قرآن امامان قائل نشده است و اشاره‌ای نیز به وضوح کلینی - که عمده احادیث مربوط به این مسأله در آن آمده است - نکرده است).

(۶۵) «بُنَّ الْإِسْلَامَ بَدَأَ غَرِيْبًا وَ سَيَعُوْدُ بِأَطْوَلِيٍّ لِلْفَرِيْبِ» به عنوان نمونه مقایسه کنید با نعمانی. کتاب انبیه، باب ۲۲، صص ۴۵۵-۵۷؛ نجاشی، رجال، ص ۲۲؛ ابن بابویه، کمال الدین، مقدمه مولف، ج ۱، ص ۶۶؛ غریب (جمع آن غریبا یعنی یگانگی، خارجی، ناشنیده، تبعید شده، مهجور).

کربن یا استفاده از اصطلاح گنوسی Allogene به این واژه سمت و سوی گنوسی می‌دهد، مقایسه کنید با En Islam Iranian، ذیل "Etranger".

(۶۶) درباره کلیت این نظریه و نیز کتابنامه مربوط به آن بنگرید به یوربین "Bara: study of some Quranic passages", (U. Rubin/JASAL، ج ۱۹۸۵، صص ۱۳-۳۲).

(۶۷) بنگرید به بحث پیشین، خاصه بخش‌های ۲-۱ و ۳-۲؛ درباره دو اتمه مخالف به عنوان نمونه بنگرید به بصائر، بخش ۱، فصل ۱۵-۱۶، صص ۲۲ به بعد؛ کلینی، روضه، ج ۳، صص ۵۲ به بعد؛ ابن بابویه، امالی، صص ۴۱۲-۳۴۵.

(۶۸) تمام این موضوعات در مجموعه‌های حدیثی امامیه به چشم می‌خورند؛ درباره نظریه برائت امامیه بنگرید به: ای. کلبرگ، Views on the "Some Immi-sh JSA", ج ۵، ص ۵. کلبرگ، Doctrine, shi Muslims in Imm figh" Non-Imm، صص ۱۳۹-۷۵؛ ای. کلبرگ، JASAL، ج ۱۹۸۵، صص ۶۹-۱۰۶.

(۶۹) بنگرید به ارجاعات پی‌نوشت ۱۳۷.

(۷۰) كَفَّ عَن هَذِهِ الْقِرَاءَةِ أَقْرَأَ كَمَا يقرأ الناس [الناس در اصطلاح امامیه از واژگانی است که برای اشاره به غیر شیعیان، اهل سنت، یکار می‌رود] حتی یوم التائم فاذا قام التائم قرأ کتاب الله عزوجل علی حدّه و اخرج المصحف الّذی کتبه علی (ع)، کلینی، اصول، کتاب فضل القرآن، باب النوادر، ج ۴، صص ۴۴۳-۴۴، ش ۳۵۷۷ (= ۲۳).

(۷۱) سفیان بن سبط «قَالَ سَأَلْتُ أَبَاعِبِدَ اللَّهِ عَنِ تَنْزِيلِ الْقُرْآنِ، قَالَ اقْرَؤُوا كَمَا عَلَّمْتُمْ، كَلَيْتِي، هَمَان، ش ۳۵۶۹ (= ۱۵)؛ درباره سفیان بن سبط یحیی کوفی بنگرید به شیخ طوسی، رجال، ص ۲۱۳، ش ۱۶۴؛ اردبیلی، جامع الرواة، ج ۱، صص ۳۳۶-۳۷. در حدیث دیگری از امام صادق (ع) آماده است که امامیه باید از قرائت آبی بن کعب پیروی کنند (مقایسه کنید با کلینی، اصول، ج ۴، صص ۴۴۵-۴۶، ش ۳۵۸۸ (= ۲۷)؛ درباره آبی، مسأله تفاوت قراءات پس از تحمیل قرائت زیدین ثابت توسط عثمان و کتابنامه مربوط به آن به عنوان نمونه بنگرید به آر. بلاشر "R. Blachre", (Le Coran)، پاریس، ۱۹۴۷، ج ۱، صص ۹۲، ۷۵، ۵۸، ۳۹، ۴۴؛ اف. ام. پارخا (F. M. Pareja) و دیگران، Islamologie، صص ۶۰۴ به بعد.

(۷۲) آی. گلدزیه قرائت علی (ع) را با یکی از کتاب‌های سری امامان که به اشتباه آن را مصحف فاطمه می‌نامد، اشتباه گرفته است (Die Richtungen... صص ۲۷۷-۷۸).

(۷۳) ابن بابویه، رساله الاعتقادات، این اثر را آصف بن علی اصغر فیضی تحت عنوان "Ashlito Creed" به انگلیسی ترجمه کرده است، نک، ص ۸۵ ترجمه انگلیسی.

(۷۴) ابن بابویه، رساله الاعتقادات، این اثر را فیضی تحت عنوان "Ashlito Creed" به انگلیسی ترجمه کرده است، نک صص ۸۶-۸۷ ترجمه انگلیسی.

(۷۵) نعمانی، محکم و منتهای، ص ۱۲؛ نعمانی، کتاب القیبه، ص ۹۹. برای این تغییر (چرخش) در موضع امامیه همچنین بنگرید به‌ای. کلبرگ، "Some Note..."، صص ۲۱۲ به بعد.

(۷۶) به عنوان نمونه، شیخ مفید (۱۳/۱۰۲۲م)، اوائل المقالات، صص ۵۴-۵۶) این اثر را دی. سوادل (D. Sourdel) به فرانسه ترجمه کرده است؛ Lhmisme ru par: le chelkh al-Murfd، صص ۷۳-۷۵)؛ فضل بن حسن طبرسی (۵۴۸/۱۱۵۴م)، مجمع البیان، ج ۱، صص ۳۰، ۱۵؛ مجلسی (۱۱۱۰/۱۶۹۹م)، بحار الانوار، ج ۱۹، صص ۱۹-۲۰. دیدیم که چگونه شریف رضی (۱۰۶/۱۰۱۷م) «مقلگراه» (شاگرد شیخ مفید) قسمت عمده سخنان علی (ع) را در مورد تحریف قرآن اصیل به نقد کشید.

(۷۷) مقایسه کنید با ای. کلبرگ، "Some Note..."، صص ۲۱۴ به بعد. (مؤلف